خبر

تأکید سران قوا بر تأمین کالاهای اساسی و بهبود معیشت مردم

جلسه سران قوا به میزبانی مسعود پزشکیان، رئیس جمهور و با حضور محمدباقر قالیباف و حجت‌الاسلام محسنی‌اژه‌ای، رؤسای مجلس شورای اسلامی و قوه قضاییه برگزار شد.

رئیس جمهور در این نشست، گزارشی از سفر خود به هند و دستاوردهای حضور در هجدهمین اجلاس سران بریکس ارائه کرد.

در این گزارش، بر تشریح اهداف و نتایج این سفر از جمله تقویت چندجانبه‌گرایی، توسعه همکاری‌های اقتصادی و تجاری، مقابله با یک جانبه‌گرایی تأکید شد.

در ادامه این جلسه، سران قوا با تأکید بر ضرورت هماهنگی و هم‌افزایی میان قوا، مقرر کردند تأمین کالاهای اساسی و بهبود وضعیت معیشت مردم، حمایت از تولید، رفع موانع تولید و مساعدت در جهت جذب سرمایه‌گذاری مولد، در اولویت سیاست‌های کلی نظام قرار گیرد.

دبیر شورای عالی امنیت ملی در گفت‌وگو با الجزیره:

آمریکا چاره‌ای جز پذیرش شروط ایران ندارد

سرلشکر محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی کشور در گفت‌وگو با الجزیره اظهار کرد: برآوردها و محاسبات رئیس جمهور آمریکا اشتباه بود و این جنگ با تحریک نتانیاهو صورت گرفت. پس از خروج واشنگتن از تفاهم‌نامه، به این نتیجه رسیدیم که استراتژی خود را در قبال این کشور تغییر دهیم. اخیرا نیز یک موشک ضدکشتی را در نزدیکی یک ناو هواپیمابر آمریکایی آزمایش کردیم.

وی با تاکید بر این‌که ما نقاط ضعف ارتش آمریکا را می‌شناسیم و بیش از گذشته برای مقابله با حملات هوایی آنها آمادگی داریم، افزود: به نفع واشنگتن است که شروط ما را برای خروج از جنگ بپذیرد؛ تهدیدات ترامپ هیچ نتیجه‌ای نخواهد داشت و ما برای جنگی سرنوشت‌ساز آماده‌ایم. ما با میانجی قطری که شروط ما را برای توقف جنگ به واشنگتن منتقل کرده است، در تماس هستیم و منتظر پاسخ رئیس جمهور ترامپ به این شروط می‌مانیم. شرایط ما پایان دادن به جنگ در تمامی جبهه‌ها، آزادی دارایی‌های بلوکه شده‌مان و پایان دادن به محاصره دریایی است. خواهان پایان جنگ میان عربستان و یمن هستیم.

سرلشکر رضایی ادامه داد: در دفاع جدی هستیم و در صورت حمله به ما، پایگاه‌های آمریکایی و منافع واشنگتن در منطقه را با قدرتی بیشتر در هم خواهیم کوبید. رایزنی‌ها با میانجی‌های قطری و پاکستانی ادامه دارد و ما شرایط خود را برای مذاکره به آنها ابلاغ کرده‌ایم. شروط ما پایان جنگ در تمامی جبهه‌ها، آزادسازی دارایی‌های بلوکه شده و پایان محاصره دریایی است.

دبیر شورای عالی امنیت ملی کشور گفت: اقدامات آمریکا و اسرائیل به ما اجازه می‌دهد از معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) خارج شویم. ما همچنان به فتوای رهبر معظم انقلاب متعهد هستیم و دکترین هسته‌ای خود را تغییر نداده‌ایم اما نمی‌دانیم در آینده چه اتفاقی خواهد افتاد. وی خاطرنشان کرد: تاکنون تصمیمی برای خروج از پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) اتخاذ نکرده‌ایم و این موضوع به رفتار واشنگتن بستگی دارد.

واکنش عراقچی به اشک تمساح وزیر امور خارجه فرانسه

در پی اظهارات اخیر مداخله‌جویانه و تحریک‌آمیز وزیر خارجه فرانسه که به‌روشنی و به بهانه حمایت از حقوق بشر بر حمایت پاریس از اغتشاشگران سال ۱۴۰۱ تاکید کرد، وزیر خارجه کشورمان در پیامی در حساب کاربری خود با یادآوری قتل‌عام مردم الجزایر در دوران استعمار نوشت: ۱/۵ میلیون الجزایری در جریان جنگ استقلال آن کشور توسط فرانسه قتل‌عام شدند، پاریس کمتر از ۰/۱ آنها را رسما ثبت کرده است ولی همچنان از هرگونه عذرخواهی بابت جنایت‌های استعماری خود خودداری می‌کند.

عراقچی افزود: اشک تمساح بس است، آقای بارو! سکوت شما در زمانی که آمریکا کودکان دانش‌آموز ما را قتل‌عام کرد، گویای همه چیز است.

چند روز پس از گزارش CBS از خسارات ایران به پایگاه واشنگتن در عربستان، یک رسانه آمریکایی دیگر دست به افشاگری از خسارت سنگین وارد شده به پنتاگون در کویت زد

اعتراف به حملات ویرانگر





آمریکا در حالی دور تازه‌ای از تقلا برای فشار اقتصادی را کلید زده که همزمان، گزارش‌های رسمی و رسانه‌های آمریکایی از هزینه‌های فزاینده جنگ و خسارت‌های واردشده به زیرساخت‌های نظامی این کشور در منطقه پرده برمی‌دارند. از تحریم بانک‌ها و شبکه‌های مالی و هواپیمایی ایران تا آسیب دیدن صدها سازه در پایگاه‌های آمریکا در خلیج فارس و دیگر نقاط منطقه، دو تصویر متفاوت از یک رویارویی شکل گرفته است؛ واشنگتن در میدان اقتصادی تلاش می‌کند حلقه فشار را تنگ‌تر کند اما در میدان نظامی با هزینه‌ای روبه‌رو شده که ارقام آن به ده‌ها میلیارد دلار رسیده است. در تازه‌ترین تحول، کاخ سفید شامگاه جمعه اعلام کرد دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا لایحه موسوم به «قانون تحریم روسیه و ایران لیندزی او. گراهام در سال ۲۰۲۶» را به قانون تبدیل کرده است؛ قانونی که تحریم‌های موجود علیه ایران را تمدید و دامنه اقدامات تحریمی علیه روسیه را نیز گسترش می‌دهد. این قانون پیش از امضای ترامپ در مجلس نمایندگان آمریکا با ۲۶۲ رأی موافق در برابر ۱۵۹ رأی مخالف تصویب شده بود و پیشتر نیز در سنا با ۸۶ رأی موافق در برابر ۱۱ رأی مخالف به تصویب رسیده بود. اما درست در زمانی که کاخ سفید فرمان تشدید فشار اقتصادی را امضا می‌کند، تصاویر و گزارش‌هایی منتشر شده که روایت دیگری از هزینه‌های سیاست قدرت آمریکا در منطقه ارائه می‌دهد؛ تصاویری که از گستردگی خسارت واردشده به پایگاه‌های نظامی آمریکا حکایت دارد.

وقتی CBS پرده را کنار زد

چند روز پیش، شبکه آمریکایی CBS News با انتشار تصاویر اختصاصی، برای نخستین بار بخش‌هایی از خسارات گسترده واردشده به چندین موضع و پایگاه نظامی آمریکا در خاورمیانه را به تصویر کشید. این تصاویر توسط نظامیان فعال آمریکایی و به‌صورت ناشناس در اختیار این رسانه قرار گرفته بود؛ موضوعی که خود CBS علت آن را محدودیت‌های شدید رسانه‌ای در ارتش آمریکا عنوان کرده است. در یکی از مهم‌ترین تصاویر، اصابت مستقیم به بخش عقبی یک فروند هواپیمای چهارموتوره بوئینگ E-۳ سنتری در پایگاه هوایی «شاهزاده سلطان» عربستان سعودی دیده می‌شود؛ به‌گونه‌ای که دم هواپیما از بدنه سوخته آن جدا شده و رادار چرخان هواپیما نیز آسیب دیده است. تصاویر دیگری از پایگاه «کمپ بوهرینگ» در کویت، ساختمان‌ها، آسایشگاه‌ها و تجهیزات آسیب‌دیده را نشان می‌داد. CBS همچنین تصویری از یک ساختمان آسیب‌دیده در کمپ عریفجان کویت منتشر کرد. این رسانه آمریکایی به نقل از یکی از نظامیان مستقر در منطقه نوشت: «این خسارت سنگینی است که به پایگاه‌های ما وارد شده و به مردم آمریکا اطلاع داده نشده است.» CBS همچنین پیشتر، در گزارشی جداگانه، از آسیب دیدن چند فروند هواپیمای نظامی آمریکا در پایگاه «موفق السالتی» اردن خبر داده بود؛ براساس این گزارش، یک فروند A-۱۰ با از دست دادن یک بال آسیب دید و حدود هشت فروند F-۱۵ نیز آسیب‌های سبک دیدند. این تصاویر در شرایطی منتشر شد که دفتر بازرس کل وزارت دفاع آمریکا نیز از خسارت‌های سنگین به تجهیزات نظامی این کشور خبر داده بود؛ گزارشی که از «خسارت تجهیزاتی» تا سقف ۳/۷ میلیارد دلار، از جمله آسیب دیدن یا از بین رفتن نزدیک به ۶۰ فروند هواپیما، سخن می‌گفت. همچنین ستنکام حملات ایران به مواضع آمریکا در کویت، بحرین، قطر، امارات، عربستان، عراق، عمان و اردن را گزارش کرده بود.

چند روز بعد؛ تصاویر میداس تاچ از عریفجان

اما چند روز پس از گزارش اختصاصی CBS، رسانه آمریکایی MeidasTouch تصاویر تازه‌ای از خسارت واردشده به یک پایگاه آمریکایی در کویت منتشر کرد؛ تصاویری که جزئیات بیشتری از شدت تخریب در این پایگاه را نشان می‌دهد.

براساس این گزارش، در تصاویر منتشرشده چندین سازه به‌طور کامل تخریب و آوار آنها در محوطه‌ای وسیع پراکنده شده است. سازه‌هایی که پیش از این فعال و سالم بودند، اکنون به تلی از آوار تبدیل شده‌اند. اما شاید مهم‌ترین بخش تصاویر، مربوط به یکی از پناهگاه‌های مستحکم این پایگاه باشد؛ همان نوع سازه مقاومی که برای حفاظت از نیروها در زمان حملات ساخته شده است. براساس تصاویر منتشرشده، این پناهگاه نیز هدف اصابت مستقیم قرار گرفته است. اهمیت این تصویر در آن است که سازه‌ای که اساسا برای محافظت از نیروهای آمریکایی در برابر حملات طراحی شده، خود هدف قرار گرفته و آسیب دیده است.

در گزارش میداس تاچ همچنین به خسارت وارد شده به بخش‌هایی از زیرساخت‌های پایگاه و باند پرواز اشاره شده است. مجموعه این تصاویر، چند روز پس از گزارش CBS تصویری تکمیل‌کننده از ابعاد خسارت در پایگاه‌های آمریکا در کویت ارائه می‌کند. به این ترتیب، آنچه ابتدا در تصاویر منتشرشده از سوی CBS در چند نقطه از منطقه دیده شد، چند روز بعد با تصاویر تازه از کویت ابعاد بیشتری پیدا کرد؛ از هواپیمای آسیب‌دیده در عربستان تا ساختمان‌ها و تجهیزات تخریب‌شده در بوهرینگ و عریفجان و حالا تصاویر پناهگاه و سازه‌های تخریب‌شده یک پایگاه آمریکایی در کویت.

وقتی سنگرها هم مصون نیستند

اهمیت این تصاویر زمانی بیشتر می‌شود که آنها را در کنار گزارش‌های رسمی آمریکا قرار دهیم. گزارش بازرس کل وزارت دفاع آمریکا تأیید کرده است که حملات ایران به صدها ساختمان و سازه در پایگاه‌های آمریکا در کویت، بحرین، قطر، امارات، عربستان، عراق، عمان و اردن آسیب زده یا آنها را تخریب کرده است. این گزارش همچنین از آسیب یا انهدام شماری از هواپیماها و پهپادهای آمریکایی خبر داده است. یکی از مهم‌ترین پیامدهای این حملات برای ارتش آمریکا، تغییر در نحوه پشتیبانی از نیروهای مستقر در منطقه بوده است. گزارش بازرس کل پنتاگون می‌گوید پس از آسیب دیدن پایگاه دریایی آمریکا در بحرین، فرماندهی مرکزی آمریکا مجبور شد بخشی از خطوط پشتیبانی خود را به مراکز جایگزین و دورتر منتقل کند؛ اقدامی که چرخه‌های لجستیکی طولانی‌تری را به همراه داشته است. این گزارش همچنین از آسیب یا انهدام تا ۳۰ پهپاد MQ-۹Reaper و هفت هواپیمای سوخت‌رسان KC-۱۳۵ خبر داده است.

بنابراین برخلاف تصویری که معمولا از برتری و مصونیت پایگاه‌های این کشور ارائه می‌شود، حضور نظامی آمریکا در منطقه، در برابر حملات موشکی و پهپادی آسیب‌پذیر است. این واقعیت در اظهارات اخیر ژنرال دن کین، رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح آمریکا، نیز بازتاب یافته است. او هشدار داده که ارتش آمریکا باید از این پس این فرض را مبنا قرار دهد که یگان‌هایش توسط سامانه‌های خودمختار ردیابی و شکار خواهند شد و در طیف‌های مختلف ارتباطی با اخلال مواجه می‌شود. محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی در واکنش به این اظهارات نوشت: «دورانی که در آن F-۳۵ ها و F۱۵ های شما شکار می‌شوند و شما مجبورید گزارش دهید که فقط آسیب دیده‌اند، همین حالا هم آغاز شده است.» رئیس مجلس شورای اسلامی تصریح کرد: چیزی که زمانی صرفا یک کابوس وحشتناک بود، اکنون به واقعیت روزمره تبدیل شده است. با آن کنار بیایید. کنار هم گذاشتن سخنان فرمانده ارشد آمریکایی با گزارش بازرس کل پنتاگون و تصاویر منتشرشده از سوی CBS و میداس تاچ، تصویری از میزان آسیب‌پذیری زیرساخت‌های نظامی آمریکا در منطقه ارائه می‌دهد.

۴۳/۶ میلیارد دلار برای جنگ

اما شاید روشن‌ترین تصویر از هزینه این رویارویی را نه تصاویر تخریب شده، بلکه اعداد ارائه کنند.

بر اساس برآورد جدید فرماندهی مرکزی آمریکا که در اختیار قانونگذاران قرار گرفته، هزینه جنگ آمریکا تا سوم سپتامبر به ۴۳/۶ میلیارد دلار رسیده است. طبق همین گزارش، هزینه مهمات از ۲۱/۷ میلیارد دلار به ۲۸/۱ میلیارد دلار افزایش یافته است.

گزارش دفتر بودجه کنگره آمریکا نیز پیش‌تر هزینه جنگ تا اول اوت را حدود ۳۸ میلیارد دلار برآورد کرده و گفته بود ادامه درگیری می‌تواند حدود دو تا سه میلیارد دلار در ماه هزینه داشته باشد. البته این رقم هزینه تعمیر پایگاه‌های آسیب‌دیده در منطقه را شامل نمی‌شود.

از سوی دیگر، گزارش بازرس کل پنتاگون از کمبود موجودی برخی مهمات پیشرفته و گلوگاه‌های تولید و تأمین مجدد تسلیحات خبر داده است. در میان تجهیزات پرمصرف، موشک‌های رهگیر سامانه‌های پاتریوت و تاد جایگاه ویژه‌ای دارند.

تحریم در سایه خسارت نظامی

واشنگتن اکنون تلاش می‌کند فشار اقتصادی خود را علیه ایران و روسیه تشدید کند و دامنه آن را به روابط اقتصادی کشورهای ثالث نیز بکشاند اما در میانه این تحرکات اقتصادی، آنچه بیش از پیش توجه رسانه‌ها و افکار عمومی را جلب کرده، حجم خسارت واردشده به زیرساخت‌ها و تجهیزات نظامی آمریکاست. به بیان دیگر، تحریم همچنان یکی از ابزارهای اصلی فشار اقتصادی واشنگتن است اما همزمان با آن، تصاویر منتشرشده از پایگاه‌های آمریکا در منطقه نشان می‌دهد خود این کشور نیز در جریان جنگ هزینه‌های سنگینی متحمل شده است. از این منظر، تصاویر عریفجان و دیگر پایگاه‌های آسیب‌دیده را باید فراتر از چند عکس از یک پایگاه نظامی دید. تصاویر CBS در ۱۵ سپتامبر و تصاویر میداس تاچ در چند روز بعد، در کنار گزارش‌های رسمی پنتاگون، زنجیره‌ای از شواهد رسانه‌ای و رسمی را درباره گستردگی خسارت به مواضع آمریکا در منطقه شکل می‌دهد. عریفجان، بوهرینگ، پایگاه شاهزاده سلطان، اردن و دیگر مواضع آسیب‌دیده، در کنار رقم ده‌ها میلیارد دلاری هزینه جنگ، تصویری از هزینه‌های سنگین حضور نظامی واشنگتن در منطقه ارائه می‌کند؛ هزینه‌ای که با ادامه درگیری، ابعاد آن می‌تواند افزایش یابد.

یادداشت

دکتر سیدرضا صدرالحسینی | کارشناس مسائل غرب آسیا

تاثیر تحولات یمن بر معادلات منطقه‌ای

یکی از مهم‌ترین نکاتی که در تغییر معادلات منطقه‌ای می‌توان به آن توجه کرد، اتفاقاتی است که برخلاف میل باطنی آمریکا و کشورهای همسو با آن در منطقه به‌وجود آمد. آمریکایی‌ها دنبال این مسأله بودند که بتوانند بازوان مقاومت را در مناطق مختلف مورد هدف قرار دهند. این موضوع از بحث خلع سلاح نیروهای محور مقاومت در عراق آغاز شد، سپس به‌سمت لبنان و علی‌الظاهر به سایر مناطق رفت و در نهایت، در این طرح دنبال از بین بردن بازوان توانمند ارتش ملی یمن بودند. در همین چارچوب، یک حرکت همسو با آمریکایی‌ها توسط عربستان آغاز شد. حملات شدید هوایی، همراه با ایجاد پنج محور زمینی برای تضعیف دولت صنعا و به‌دست گرفتن بخش‌های عمده و راهبردی مناطق تحت کنترل دولت صنعا توسط عوامل مختلف وابسته به عربستان، از نکات مهمی بود که در روزهای گذشته با آن روبه‌رو بودیم. نزدیک به ۵۰۰۰ نفر از نیروهای مورد حمایت عربستان در جبهه‌های مختلف به مناطقی از سرزمین یمن حمله کردند و به موفقیت‌هایی نیز در زمینه تصرف سرزمینی دست یافتند. شاید در آن مقطع، اگر به رسانه‌های همسو با آمریکا و عربستان مراجعه می‌شد، مسأله پایان کار دولت صنعا، نابودی ارتش ملی یمن و سقوط دولت نجات ملی در یمن مطرح می‌شد اما با اقدامات شجاعانه‌ای که نیروهای ارتش ملی یمن انجام دادند و همچنین همراهی قابل توجه قبایل مختلف با حرکت در جهت استقلال یمن، ورق به‌طور کامل برگشت. شرایط به‌گونه‌ای پیش رفت که در طول ۴۸ ساعت گذشته، بیش از ۱۱۰ حمله هوایی ارتش عربستان برای اضمحلال ارتش ملی یمن انجام شد. در این رابطه باید گفت پیروزی‌های قابل توجهی از جانب ارتش ملی یمن به‌دست آمد. سرزمین‌های کوچکی که از دست رفته بودند دوباره بازپس گرفته شدند و بخش‌های قابل توجهی از سرزمین‌های تحت حمایت عربستان به دولت صنعا ملحق شد. مهم‌ترین نقطه نیز جزیره میون در میان گذرگاه راهبردی باب‌المندب بود. می‌توان گفت پس از در اختیار قرار گرفتن این جزیره راهبردی، اتصال و کنترل هوشمند دو تنگه راهبردی یعنی تنگه هرمز و باب‌المندب، از جهت اشراف اطلاعاتی و عملیاتی کاملا در اختیار مقاومت قرار گرفت. همچنین مقاومت توانست به اطلاعاتی نزدیک به کانال سوئز دست پیدا کند. درواقع می‌توان تا این نقطه از جنگ این مسأله را مطرح کرد که شرایط به‌وجود آمده، توازن قدرت در منطقه غرب آسیا را به‌طور کامل به نفع جبهه مقاومت تغییر داده است. به همین دلیل، شورای امنیت سازمان ملل نیز در روز گذشته، با فشار تروئیکای اروپا و آمریکا، دنبال تصویب قطعنامه‌ای برای انجام یک اقدام نظامی بود؛ اقدامی که با مجوز شورای امنیت سازمان ملل همراه باشد تا بتوانند آنچه را نیروهای وابسته به عربستان در جنگ به‌دست نیاوردند، در قالب یک جنگ اجماعی و با پشتوانه اسناد بین‌المللی به‌دست آورند. البته این اقدام نیز با جهت‌گیری مناسب چین و روسیه متوقف شد. در جمع‌بندی می‌توان به این نکته اشاره کرد که شرایط کنونی آمریکا که در جنگ سه‌گانه با ملت ایران با بن‌بستی غیرقابل بازگشت روبه‌رو شده بود، در شرایط کنونی با افزایش فشارها در یمن، با یک بن‌بست دیگر مواجه شده است و این مسأله بن‌بست آمریکا را افزایش داده است. البته این انتظار وجود دارد که در طرح‌های دیگر آمریکا و کشورهای همسو، به‌ویژه عربستان در مقطع کنونی با انجام عملیات‌های نظامی و هوایی، شرایط را به‌سمت دلخواه خود تغییر دهند. با این حال، نکته حائز اهمیت این است که در طول ۴۸ ساعت گذشته، تعدادی از هواپیماهای متجاوز سعودی مورد آسیب قرار گرفتند و یک فروند اف-۱۵ آنها نیز سقوط کرد که همین مسأله به گفته این روایت، نشان‌دهنده برتری پدافند هوایی ارتش ملی یمن است. نکته دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، شرایطی است که برای صادرات نفت عربستان و در نتیجه، مشکلاتی که برای انرژی در بازارهای بین‌المللی و به‌خصوص برای آمریکایی‌ها به‌وجود آمده است. میزان صادرات نفت عربستان به کمتر از نصف کاهش یافته و خود این مسأله می‌تواند در جبهه‌های مختلف یمن و همچنین در جبهه‌های مختلف عربستان در برابر یمن تاثیر مستقیم داشته باشد. بر این اساس، در شرایط کنونی، جبهه مخالف مقاومت دنبال راه‌حل‌هایی برای خروج از شرایط به‌وجود آمده ـ چه در جبهه جنگ و چه در حوزه سیاسی ـ است.

یادداشت

محمد ولیانپور | تحلیلگر مسائل سیاسی

انرژی هسته‌ای انسانی

از امام حسین(ع) تا انقلاب، مسیری است که ۱۳ قرن پیموده شد تا شیعه ایرانی به این پیچ تاریخی برسد. ولی روز جمعه ۳۱۳ هزارنفر از ۳۱ میلیون جانفدای ایرانی این مسیر را پیمودند تا نشان دهند که تا انقلاب موعود هم راهی نیست و جهان در انتظار آن ۳۱۳ نفر است تا بر مدار دیگری بگردد. پویشی که از همان اولین ماه جنگ از بطن جامعه سربرآورد و مردم منتظر نقش‌آفرینی را به جانفدایی برای ایران فراخواند، پس از ۲۰۰ شب پرچم‌گردانی در سنگر خیابان، اولین ظهور و بروزهای عملیاتی و نظامی‌اش را به رخ دشمن می‌کشد. جانفدایان اسلام و ایران که شش ماه پرچم در دست، سنگر خیابان را ترک نگفته بودند و آمادگی خود را برای جانبازی در راه اسلام و ایران اعلام کرده بودند، حالا سلاح در کف و پرچم بر دوش، آرایش نظامی گرفته‌اند و توان خود را به نمایش می‌گذارند که «و اعدوا لهم مااستطعتم من قوه». رزمایش جانفدا در تهران و میدان انقلابش متوقف نمی‌شود و در شهرهای مختلف این کشور نیز به راه می‌افتد. حرکتی که امید است با مداخله نهادها متوقف نشود و به گسترش بخشنامه‌ای و توقف در نمایش نیز نیالاید تا بتواند اصالت مردمی خود را حفظ کند. این البته جبهه‌ای نیست که در خط مقدم نظامی منحصر شود و سلاحش هم لزوما اسلحه آتشین نخواهد بود. چنین جبهه گسترده‌ای باید بتواند از پشتیبانی و امداد و نجات تا محرومیت‌زدایی و رسانه را دربرگیرد و مردم را با هر توان و ظرفیتی پای کار آورد. حالا همزمان با هفته دفاع مقدس، امتداد آن مقاومت مردمی در برابر رژیم بعث را در رویارویی با قدرت‌های هسته‌ای می‌بینیم تا نسل مینابی که دفاع هشت‌ساله را ندیده و خرمشهر را تجربه نکرده است، نشان دهد که همان خون در رگ‌هایش جاری است و از خرمشهرهای پیش‌رو جنگ‌های طولانی هراسی ندارد. مردمی که شأن‌شان از جمهوریت را صرفا در شکاف صندوق‌های رأی نمی‌بینند، در جنگ و صلح هم صاحب انقلابند و گرچه نیروهای مسلح پرتوانی دارند، اما ۲۰۰ روز و شب از خور و خواب و راحت‌شان می‌زنند و پشتوانه موشک‌هایی می‌شوند که پایگاه‌های دشمن را درهم می‌کوبند. اما این مردم وقتی پای دفاع از حرم ایران می‌رسد، بی‌باک از امنیتی کردن زندگی، دفاع از این حرم را مردمی می‌کنند. حرمی که حفاظت از آن را نمی‌توان به پیمانکاران امنیتی سپرد و جنگی ترکیبی که ارتش‌های کلاسیک از عهده آن بر نمی‌آیند. دشمن که روی ترس شهر و خالی‌شدن خیابان‌ها از شهروندان حساب کرده و روی تاب‌آوری ایرانیان شرط بسته بود، حالا با مردمی روبه‌روست که سلاح در دست در انتظار رویارویی با دشمن‌اند و رسیدن به احدی الحسنیین. او که به سودای ریشه‌کنی انرژی هسته‌ای با بمب‌های سنگرشکن ۱۳ تنی آمده بود، از قضا انرژی هسته‌های انسانی را آزاد کرد که شش‌ماه در خیابان‌ها در حال هم‌جوشی هستند و سلاح نامتعارفی را ساخته‌اند که هیچ بمب سنگرشکنی به اعماقش نخواهد رسید. موشک‌ها و پهپادهایی که گنبدهای آهنین و طلایی دشمن را فروریخت و ذخیره رهگیری‌اش را به آستانه بحرانی چسباند، تنها بخشی از راهبرد دفاع نامتقارن ماست. حالا پنتاگون باید این انرژی هسته‌های مردمی را در ماشین حسابش ضرب کند تا اگر به‌درستی کار کرد، رقم واقعی ریسک جنگ با مردم جانفدا را ببیند.

یادداشت

دکتر حسین متفکر | نویسنده و پژوهشگر

پیامدهای ژئوپلیتیکی تسلط انصارالله بر باب‌المندب

در سپتامبر ۲۰۲۶، نیروهای انصارالله یمن در یک عملیات برق‌آسا کنترل کامل سواحل غربی یمن و جزایر استراتژیک دهانه باب‌المندب از جمله جزیره پریم (میون) را به‌دست گرفتند. این تحول نه یک پیروزی نظامی محدود بلکه تغییر ماهیت جنگ و بازتعریف ژئوپلیتیک انرژی جهان است. آنچه رخ داده را نمی‌توان صرفا تسلط بر یک تنگه نامید. این کنترل بر «شیر ورودی» کانال سوئز و بستن دومین گلوگاه حیاتی انرژی جهان است که همزمان با مسدود بودن تنگه هرمز رخ داده.

انصارالله در فاصله ۳ تا ۱۱ سپتامبر ۲۰۲۶، از بندر حدیده عملیاتی را آغاز کرد که در کمتر از دو هفته، کل سواحل دریای سرخ یمن را به کنترل این گروه درآورد. یک مقام دولت مستعفی یمن در اعترافی صریح گفت: «هرچه در ساحل غربی در اختیار داشتیم سقوط کرد.»

نیروهای دولتی تا خور عمیره عقب نشستند و گزارش‌هایی از فروش تسلیحات و ترک یونیفرم توسط سربازان فراری منتشر شد.

نکته کلیدی این تحولات این است که انصارالله از مدت‌ها قبل برای این عملیات آماده شده بود. از زمان آتش‌بس ۲۰۲۲، این گروه نیروگیری، تولید داخلی سلاح و گسترش توان موشکی و پهپادی خود را به‌طور سیستماتیک افزایش داد. در همین حال، ائتلاف ضدحوثی دچار فروپاشی ساختاری شده بود: گروه‌های مسلح خودمختار با حامیان منطقه‌ای متفاوت و اهداف سیاسی متضاد، قادر به هماهنگی مؤثر نبودند. در بحث این‌که چرا این تحول «تسلط بر سوئز» محسوب می‌شود، سه دلیل عمده مطرح است:

۱. بدون باب‌المندب، سوئز بی‌معناست. کانال سوئز دروازه شمالی مسیر است اما اگر کشتی‌ها نتوانند از دروازه جنوبی (باب‌المندب) عبور کنند، ورود به سوئز عملا غیرممکن می‌شود. کارشناس مسائل آفریقا و ژئوپلیتیک در گفت‌وگو با BBC عربی تاکید کرد: «نمی‌توان به کانال سوئز به‌عنوان یک مسیر جداگانه از دریای سرخ و باب‌المندب نگاه کرد بلکه بخشی از یک منظومه ملاحتی واحد است.»

۲. انصارالله نیازی به بستن فیزیکی تنگه ندارد. صرفا تهدید کافی است. شرکت‌های کشتیرانی و بیمه‌گران، منطقه را پرخطر طبقه‌بندی و مسیر دماغه امید نیک را انتخاب می‌کنند. یک تحلیلگر نظامی در مؤسسه آلمانی GIDS تاکید می‌کند: «لازم نیست دریاها را به‌طور کامل ببندید. کافی است تهدیدی ایجاد کنید و از موقعیت قدرت اقتصادی ناشی از آن استفاده کنید.»

۳. آمار خسارت سوئز از قبل فاجعه‌بار است. براساس آمار UNCTAD، ۱۲ تا ۱۵ درصد تجارت جهانی و ۲۲ درصد تجارت کانتینری از کانال سوئز عبور می‌کند. وزیر خارجه مصر اعلام کرد خسارت ناشی از اختلال در سوئز به حدود ۱۱ میلیارد دلار رسیده است. درآمد کانال از ۸/۷۶ میلیارد دلار (۲۰۲۳) به ۳/۶۲ میلیارد دلار (۲۰۲۵) سقوط کرده است.

متن کامل را در جام جم آنلاین بخوانید